

«اقتصاد اسلامی و نظریه عدالت اقتصادی»

علی یوسفی نژاد¹

چکیده

در این مقاله تلاش می‌شود تا با تبیین موضوع عدالت از طریق تعریف آن از دیدگاه متفکرین و فلاسفه و ارائه دیدگاه و نظریات آنان، به اثبات این فرضیه پرداخت که استقرار عدالت آن هم در بعد اقتصادی، نیازمند الزاماتی است که بدون توجه به این الزامات تحقق آن، امکانپذیر نیست و این برخلاف آن چیزی است که معمولاً مطرح می‌باشد. حداقل از منظر آحاد جامعه، بدون اینکه کارکردهای اخلاقی نهادینه شوند، امکان تحقق عدالت اقتصادی، میسر نیست. بنابراین موضوع مهمی که باید بدان توجه داشت و آن احیاء متغیرهای اخلاقی در روابط اجتماعی جامعه اسلامی است. که در بخش‌های مختلف از متن مقاله بررسی خواهد شد.

ضرورت بیان مسأله

اولین و مهمترین گام برای شناخت این نظام الهی، شناخت جهان و همه امکانات و مقدرات آن بعنوان بستری جهت آزمایش انسان بمنظور تکامل ول و نهایتاً جانشینی خداوند است. بنابراین شاخصه مهمی که در نظام اجتماعی اسلام مطرح می‌گردد، همانا دستیابی به قانونمندیها و معادلاتی است که بتوانند زمینه رشد اخلاق و پرستش خدای متعال را برای جامعه اسلامی فراهم سازد.

اگر بتوانیم شرایطی را فراهم کنیم که در آن شرایط انسانها متخلق به صفات و فضیلت‌های الهی پرورش یابند در آن صورت خواهیم توانست، گام بعدی را با اطمینان خاطر بیشتری برداریم. انسانی که خود را و تمام امکانات مادی و معنوی خویش را برای کسب رضایت خالق، بکار گرفته و کسب رضایت او را بر رضایت نفس خویش مقدم می‌شمارد.

فراهم شدن این شرایط در یک جامعه اسلامی نیازمند فراهم گشتن زمینه‌هایی است که بعنوان فرضیه تحقیق، مطرح می‌گردد.

زمینه‌هایی که در صورت تحقق آن می‌توان انتظار داشت که یکی از متغیرهای بسیار مهم در مکتب اقتصادی اسلامی یعنی عدالت اقتصادی، استقرار یافته و در نتیجه روح حاکم بر یک جامعه اسلامی، منبث از احکام و قوانین شرع مقدس گشته و این احکام با پذیرش بیشتری در میان مردم مورد ملاحظه قرار گیرد.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چگونگی فراهم شدن زمینه استقرار عدالت اقتصادی و ابزارهای لازم برای فراهم شدن این زمینه، از جمله سؤالات اساسی است که در صورت پاسخ به آن و تبیین مناسب، می‌تواند در رفع ابهامات موجود، کمک مؤثری باشد.

عدالت چیست؟

واژه عدالت یکی از عمده‌ترین ارزشهای معنوی در طول تاریخ تمدن بشری است. برای تبیین صحیح آن ابتدا لازم است تا به تعریف و توصیف آن پردازیم. در لغت‌نامه معین^۱ از عدل و عدالت معانی زیر آمده است: عدل یعنی داد کردن، داد دادن، نهادن هر چیزی به جای خود، حد وسط میان افراط و تفریط، دادگری، انصاف، عدالت مقابل ظلم، داد.

عدالت در لغت به معنی راستی (استقامت) و در شریعت به معنای راستی در راه حق و دوری از مانع و برتری دادن عقل بر هوا است. در اصطلاح فقیهان، عدالت پرهیز از گناهان بزرگ و اصرار نکردن بر گناهان کوچک و راستگویی و پرهیز از دروغ و رعایت تقوا و دوری از افعال پست است.

در فرهنگ معارف اسلامی که توسط دکتر سجادی نگارش یافته است، عدل اینگونه معنی شده است: عدل مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است، همچنین امر «متوسط» میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند.

همچنانکه مشاهده گردید در تعریف عدالت، عمدتاً بر روی واژه‌هایی همچون مساوات، برابری، میانه‌روی، حد وسط میان افراط و تفریط، موازنه، قرار دادن هر چیزی در جای خود،^۲ اندازه و اعتدال تکیه شده است.

از دیدگاه شهید مطهری، عدالت نقطه مقابل ظلم و تبعیض است و عدالت یعنی آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست می‌آورد و به او داده می‌شود. نقطه مقابل ظلم است. آنچه فرد استحقاق دارد به او ندهند و نیز نقطه مقابل تبعیض است یعنی دو فردی که شرایط مساوی دارند، یک موقعیتی را از یکی دریغ دارند و از دیگری دریغ ندارند.^۳ از نظر استاد، چهار مورد کاربرد برای عدل به شرح زیر است: موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت استحقاقها در افاضه وجود، رعایت حقوق افراد و معنی حقیقی عدالت نیز همین معنی اخیر است، که بر دو چیز متکی است: حقوق و اولویتها و دیگر خصوصیات ذاتی بشر. اما از دیدگاه امام خمینی (ره)، عدالت عبارتست از حد وسط بین افراد و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاصیه است بلکه عدالت مطلقه تمام فضایل باطنیه، ظاهریه، روحیه، قلبیه و جسمیه است، زیرا عدل مطلق، مستقیم به همین معنی است.^۴

۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۲، ص ۲۲۷۹.

۲- «العدل یضع الامور مواضعها»، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

۳- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۵۶، انتشارات صدرا.

۴- بنیان (عدل الهی)، دفتر هفدهم، ص ۲۳، انتشار مؤسسه نشر حضرت امام (ره).

امام خمینی (ره) عدالت را به عنوان یک جزء کوچک بلکه به معنای همه فضیلت می‌داند و این معنا تقریباً در میان تمامی متفکران و فلاسفه‌ای نظیر ارسطو و افلاطون نیز دیده می‌شود. علت این امر نیز روشن است، زیرا که ایشان عدالت‌خواهی را ناشی از فطرت انسان می‌داند و هرگونه تلاشی را در جهت خلاف آن، نقصان در مقدمات برمی‌شمرند.

از نظر اندیشمند مسلمان یعنی فارابی نیز هدف مردم در مدینه فاضله رسیدن به سعادت است، البته سعادت مطلق و نه اعتباری، این سعادت حاصل نمی‌گردد مگر در تأمین رفاه و زندگی طبیعی بر مبنای رفاه جمع و نه فرد، و رفاه جمع حاصل نمی‌گردد مگر به ریاست فاضله و ریاست فاضله هم ریاستی است که بر اساس عدالت باشد و عدالت نیز از فضیلت و حکمت ناشی می‌شود. همچنین از اندیشمندان دیگری نظیر خواجه نظیر طوسی، امام محمد غزالی نیز تعاریف و تعبیری وجود دارد که از طرح آن، خودداری می‌شود.

دیدگاه‌های بزرگان دین و فقها در خصوص عدالت اجتماعی

با توجه به تعاریف و تقسیم‌بندی بعمل آمده از عدالت و تبیین آن حال می‌توانیم عدالت را در بعد اقتصادی و از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار دهیم.

از آنجائیکه در تعاریف بعمل آمده مشخص گردیده که عدالت به معنای ایجاد تناسب و توازن و همچنین رعایت مساوات و نیز دادن حق هر ذیحقی می‌باشد، لذا در بعد اقتصادی نیز دیدگاه‌های مطرح شده در این ابعاد قابل تأمل است.

نخستین دیدگاه از منظر امام عدالت پیشگان حضرت علی (ع)، مطرح می‌گردد. از آنجائیکه آن حضرت (ع) را شهید عدالت و شدت عدالت می‌شناسند، به همین سبب مطالعه و آگاهی از ایده‌ها و اقدام‌های عملی ایشان می‌تواند هر صاحب تحقیقی را به عمق عدالت (اقتصادی) وارد ساخته و در حوزه دین و به خصوص دین مبین اسلام با این مفهوم آشنا سازد.

منشأ نگرش و مبانی فکری حضرت علی (ع) از دین مبین اسلام و همچنین رفتار و کردار پیامبر عظیم‌الشأن (ص) ناشی می‌شود، بدیهی است وقتی از عدالت علی (ع) گفته می‌شود، منظور ایده‌های شخصی آن حضرت (ع) نیست، بلکه باورهایی است که ایشان در طول حیات رسول گرامی (ص) از محضر آن حضرت (ص)، آموخته‌اند.

آن حضرت (ع) نظریه‌پرداز نبود تا همچون سایر نظریه‌پردازان در مقام واضع عدالت برآید، بلکه ایشان عدالت را همچون سایر فضیلت‌های مورد نیاز جامعه برمی‌شمارند و تلاش می‌نمایند تا بلافاصله پس از واگذاری خلافت و بدست‌گیری قدرت، آن را در میان جامعه انسانی پیاده نماید. بطوریکه در جواب یاران دلسوز و ناصح خود که آن حضرت (ع) را در ابتداء خلافت به مصلحت‌اندیشی در برابر صاحبان زر و زور و تزویر، دعوت می‌کنند.

«آیا به من دستور می‌دهید که برای پیروزی خود از جور و ستم در حق کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم استمداد جویم. بخدا سوگند تا عم من باقی است و شب و روز برقرار و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب می‌کنند هرگز به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر مال از آن خودم بود، بطور مساوی در میان آنها تقسیم می‌کردم. تا چه رسد به اینکه اینها همه اموال خداست، آگاه باشید بخشیدن مال در غیر موردش تذبذیر و اسراف است»^۱

عدالت اقتصادی مورد نظر علی‌ابن‌ابیطالب (ع) از نابترین و خالص‌ترین نوع عدالت است بطوریکه شدت آن را از نزدیک‌ترین یاران و بستگان تا دورترین و دشمن‌ترین افراد به وی با تمام وجود احساس می‌کنند. در حالیکه داستان عقیل ابن‌ابیطالب با صراحت تمام در نهج‌البلاغه و از زبان آن حضرت (ع) مصداق این مطالب در خصوص برادرش، کاملاً گواه این مطلب است، گفته دشمن‌ترین دشمنان وی یعنی معاویه‌ابن‌ابوسفیان پس از شهادت آن حضرت (ع) نیز مؤید این مطلب است.

یکی دیگر از ویژگیهای عدالت اقتصادی علی (ع) به نوع بینش و نگرش ایشان از حکومت و قدرت سیاسی مربوط می‌شود. آن حضرت (ع) حکومت و خلافت را وظیفه و تکلیف می‌دانستند و نه حق. به عقیده امام (ع) اگر بنا باشد که از تکلیف و وظیفه سوء استفاده شود، آنگاه هر تکلیفی را می‌شود به غلط نام «حق» رویش گذاشت و آنگاه هرگونه ظلم و تعدی، حق و عدل جلوه می‌کند. آنچنانکه خلیفه سوم با همین برداشت غلط هرگونه تجاوزی به بیت‌المال و بذل و بخشش بی‌حساب و کتاب خود را ناشی از «حق خلافت» می‌دانست.

«برای علی (ع) که هیچگونه سوء استفاده‌ای از خلافت نمی‌کرد، خلافت و حکومت تکلیف بود نه حق اگر بنا شود از تکلیف و وظیفه‌ای استفاده‌های نامشروع بشود، هر تکلیفی را می‌شود به غلط نام حق رویش گذاشت»^۲

عدالت از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله صدر

حضرت امام (ره) یکی از نشانه‌های اسلامی بودن حکومت را وجود عدالت در همه ابعاد از جمله بعد اقتصادی جامعه می‌دانند. لذا زمینه مورد نیاز برای تحقق عدالت اقتصادی را وجود متوالیان عادل می‌دانند و در خصوص زمامدار حکومت اسلامی معتقدند که: «زمامدار باید عادل باشد و اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیاتها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزایی، عادلانه رفتار نخواهد کرد و ممکن است اعوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید و بیت‌المال مسلمین را صرف اغراض شخصی و هوسرانی خویش کند»^۳

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۶، ص ۱۲۴، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۷۷.

۲- مطهری مرتضی، بیست گفتار، ص ۲۰، دفتر انتشارات اسلامی.

۳- روح... الموسوی الخمینی، ولایت فقیه، ص ۶۷ و ۶۸.

از نگاه امام خمینی (ره) پیاده نمودن عدالت اقتصادی فقط بر پایه احکام و مقررات اسلام امکان‌پذیر بوده و آنهم در گروه اصلح بودن و شایستگی زمامدار هم در امور معنوی و هم در امور اجتماعی مسلمین می‌باشد. به اجراء درآمدن حدود و مقررات اسلامی و رسیدن به عدالت اقتصادی را مرهون تشکیل حکومت اسلامی و دو ویژگی زمامدار یعنی عالم بودن و عادل بودن آن می‌دانند.

ضمن اینکه از نگاه امام خمینی (ره) قانون آلت و وسیله‌ای در جهت تحقق عدالت در جامعه و برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است^۱ همچنین استقرار عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره) موجب می‌شود تا یک آسودگی و آرامش خیال در نزد تمام آحاد جامعه، حاکم شود و آنگاه هرکس در موقعیت شغلی و کاری که دارد با اطمینان خاطر بیشتری به وظایف محوله مشغول و به بهترین وجهی آن را به نتیجه مطلوب می‌رساند. شاید این تعبیر امام (ره) را بتوان با موضوع کارآیی اقتصادی که از مهمترین مباحث مورد توجه نظریه پردازان مکاتب مادی است، ارتباط داد و تحلیل نمود. یعنی از نگاه آن حضرت (ره) استقرار عدالت اقتصادی موجب تلاش بیشتر و دریافت محصول بهتر می‌شود.

از دیدگاه شهید صدر: عدالت اقتصادی از دو بعد قابل بررسی است: یکی از بعد توازن اجتماعی و دیگری از بعد تکافل اجتماعی.

توازن اجتماعی به معنای این است که دولت اسلامی (ولی امر) با وضع مقررات قانونی و با ازدیاد ثروت عمومی و بی‌نیاز کردن تک، تک افراد جامعه، شرايطی را فراهم نماید که در آن تمامی افراد بتوانند از امکانات و موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و ... و موجود به صورت مساوی برخوردار شوند.

در حوزه حیات اقتصادی توازن اجتماعی بین افراد انسانی، برابری از حیث سطح زندگی اجتماعی است و نه از حیث چگونگی کسب درآمد اقتصادی، «مقصود از سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با متقاضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار گردند. البته در داخل سطح مزبور، درجات مختلفی به چشم خواهد خورد، ولی این تفاوت درجه است، نه تفاوت اصولی در سطح»^۲.

امام امکانات و اختیاراتی نیز برای اجرایی شدن این اصل در اختیارات دولت اسلامی قرار داده است که عبارتند از: اول وضع مالیات‌هایی که بطور ثابت و مستمر اخذ شده و برای توازن عمومی به مصرف می‌رسد. دوم فعالیت‌های بخش عمومی و سرمایه‌گذاریهای دولتی است و آخر هم اختیارات قانونی و حقوقی برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه و نظارت بر تولید. اما از بعد تکافل اجتماعی که گاه از آن بعنوان «همیاری عمومی» نیز یاد کرده‌اند، در واقع از مسؤولیت اجتماعی هر مسلمان در برخورد با مشکلات موجود در جامعه اشاره می‌کنند.

۲- همان منبع، صفحات ۹۴ و ۹۵.

۱- صدر، محمد باقر، اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ص ۳۳۱ - مترجم عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی.

در اصل چهل و هشتم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران مؤظف شده است تا در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی نظیر معادن و نفت در سطح کشور عدالت و مساوات را رعایت نموده و از اعمال هرگونه تبعیض خودداری کند. ضمن اینکه در توزیع فعالیتهای اقتصادی نیز در سطح استانهای کشور باید بدور از هرگونه تبعیض و بطور مساوی و آنگونه که نیاز است، اقدام نماید. بطور کلی این اصل بر مبنای رعایت عدالت در توزیع منابع طبیعی و چگونگی و ارتباط آن با دریافت درآمدهای عمومی در سطح کشور و مناطق مختلف، تنظیم شده است.

طبق اصل چهل و نهم قانون اساسی و به منظور تحقق بخشیدن عدالت و بنابر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و همینطور به منظور استقرار امنیت اقتصادی و تشویق به سرمایه‌گذاری در امر تولید و توزیع و نیز بخاطر ریشه‌کن نمودن فساد، اسراف و نیز به منظور از بین بردن عوامل فساد و اختلاس و ایجاد محیطی سالم، دولت را مؤظف نمود تا ثروتهای ناشی از فعالیت‌های نامشروع را از دست مفسدین خارج ساخته و به صاحبان اصلی آن برگرداند.

الزامات و راهکارهای اجرای عدالت اقتصادی:

برای تبیین بحث در این بخش از مقاله ابتدا اشاره‌ای به نظریات برخی صاحب‌نظران معاصر غربی داریم افرادی نظیر هایک و جان راولز که تقریباً می‌توان عصاره اعتقادات مربوط به بحث عدالت را در تمام غرب از افکار آنان جستجو کرد، اساساً معتقدند که عدالت اجتماعی عملکرد بی‌اثر و بی‌طرفانه بازار را بر نمی‌تابد، و بازار رقابتی نوعی نظم خود جوش و غی مشخص است، پس نباید صفات عادلانه یا ناعادلانه در مورد آن بکار بست.

«نتایج بازار همچون نتایج بازی از قبل معلوم نیست، با اینکه علاوه بر مهارت و جدیت بازیکنان عوامل خارجی و غیر قابل پیش‌بینی (اغلب به مجموعه آنها شانس اطلاق می‌شود) نیز در نتیجه مسابقه مؤثر است اما نتیجه هر چه باشد نمی‌توان آن را عادلانه یا ناعادلانه خواند. عدالت تنها به نحوه اجرای بازی مربوط می‌شود یعنی اگر کسی قواعد بازی را رعایت نکند عمل او نادرست و غیر ناعادلانه است و به تبع آن می‌توان نتیجه بازی را ناعادلانه خواند. این مطلب عیناً در مورد نظم بازار نیز صدق می‌کند، نظم اقتصادی بازار مستلزم رعایت بعضی قواعد رفتاری کلی است. عدالت در اینجا مربوط به نحوه رفتار شرکت‌کنندگان در رقابت اقتصادی و نیز بی‌طرفی داور (دولت) ناظر بر قواعد بازی است. توزیع درآمد و ثروت ناشی از نظم بازار، ممکن است برای بعضی ناگوار باشد، اما این وضعیت را نمی‌توان ناعادلانه خواند، چون اگر نسبت به قواعد تخلفی صورت نگرفته باشد، هیچ رفتار ناعادلانه‌ای هم این وضعیت را بوجود نیاورده است.»^۱

همانگونه که از نظریه هایک و سایر فلاسفه غربی در خصوص عدالت مشخص است، نظام اقتصاد آزاد، عدالت اجتماعی را تهدیدی جدی برای آزادیهای فردی، که بزرگترین دستاورد تمدن غرب است،

۱. سراب عدالت از دیدگاه هایک، قسمتی از مقاله دکتر غنی‌نژاد در مجله نامه فرهنگ شماره‌های ۱۰ و ۱۱.

می‌داند و عدالت را صرفاً به نحوه رفتار شرکت‌کنندگان در رقابت اقتصادی مشروط کرده و همین‌طور بی‌طرفی دولت و نه چیز دیگر. نکته دیگری که از میان عقاید اینها می‌توان استخراج و در طرف فرضیه این مقاله کمک گرفت و آن موضوع شرایط و زمینه برای تشخیص عادلانه و ناعادلانه بودن در نظم اجتماعی است. مثلاً هایدک معتقد است که "صفحات عادلانه و یا ناعادلانه صرفاً مربوط به رفتارهای انسانی هستند و تا زمانیکه وضعیتی ناشی از قصد و تصمیم انسانها نباشد، نمی‌توان صفت عادلانه یا ناعادلانه را برای آن بکارگیری کرد".^۱

اما در جبهه مقابل این نوع تفکر می‌توان سه محور در راستای اجرای عدالت اشاره کرد:

الف - ایجاد بخش عمومی ب - کارکردهای اخلاقی ج - سیاست‌ها و ابزارهای قانونی

از آنجایی که ایجاد شرایط و فرصت‌های برابر جهت رشد و شکوفایی استعدادها و زدودن نابرابریها از اصول اساسی و زیربنائی استقرار عدالت بر شمردیم به همین جهت بایستی مشخص نمائیم که چه شخص یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی می‌توانند به ایجاد این فرصت‌های برابر، اقدام نمایند؟

آیا تقسیم عادلانه بیت‌المال به خودی خود، ممکن است؟ و یا اینکه بنا به فرمایش مولای متقیان حضرت علی (ع) با تشکیل حکومت و با بدست‌گیری عنان حکومت قابل انجام است؟ و بطور کلی، آیا استقرار نظام صحیح و عادلانه تولید، توزیع و مصرف نیازمند تشکیل بخش عمومی قدرتمند نیست؟

در جواب همه این سئوالات و ابهامات دیگر، باید گفت که اساساً به همین خاطر است که دین مبین اسلام، تشکیل حکومت و بدست‌گیری قدرت را برای صالحان و اندیشمندان واجب و لازم برشمرده است.^۲

ب - کارکردهای اخلاقی در جهت استقرار عدالت:

خیرخواهی

مواسات یعنی شرکت دادن دیگران در اموال خویشتن است، بگونه‌ای که گویا همه مؤمنین، اعضاء یک خانواده هستند و تلاش می‌کنند تا نیازهای یکدیگر را برطرف نمایند.

ایثار که مرحله‌ای بالاتر از مواسات می‌باشد و آن مقدم داشتن دیگران بر خویشتن می‌باشد. یعنی آنجائیکه همه به یک عنصر معینی نیاز دارند، آنگاه فردی که آن را در اختیار دارد، دیگران را بر خویشتن مقدم بدارد. این معنا زمانی به اوج خود می‌رسد که پای جان در میان باشد.

اطعام فقرا و ایجاد روحیه مهمان‌نوازی از دیگر کارکردهای اخلاقی اقتصاد اسلامی است که می‌تواند در از بین بردن روحیه تجمع ثروت و کنز مال بسیار مؤثر باشد.

عدم زیاده‌خواهی (قناعت)

۲- همان منبع

۱- اشاره به خطبه سوم نهج‌البلاغه و کلام حضرت (ع) در خصوص علت بدست‌گیری قدرت است.

میانروی نیز از ویژگیها و کارکردهای اخلاقی - اقتصادی است که همواره مورد تأکید قرآن کریم و رهبران دینی قرار گرفته است.

طلب حلال و پرهیز از مال حرام موجب می‌گردد تا هرکس بدنبال کسب نتیجه تلاش خود باشد و از استثمار و غارت اموال دیگران بپرهیزد. اساساً یکی از تفاوت‌های اساسی در فعالیتهای اقتصادی اسلام با سایر مکاتب وجود حریمی است که با عناوین حرام و حلال مشخص شده است و هرگونه تجاوز از این حریم موجب تباهی و بی‌اعتباری نتیجه کار شود.

اخوت و برادری نیز از جمله موضوعات اخلاقی است که می‌تواند موجبات فراهم گشتن زمینه برای استقرار عدالت اقتصادی در بین مسلمان و پیروان اسلام گردد.

ج - استفاده از سیاستها و ابزارهای قانونی توسط بخش عمومی

۱- انفاق واجب

از جمله راههای تعدیل ثروت اخذ درآمد و دارایی افراد از طریق انفاقهای واجب نظیر خمس، زکات و مانند آنها می‌باشد.

نکته مهمی که در این خصوص مورد توجه قرار گرفته و آن در نوسان بودن انفاقهای واجب است، مثلاً مرحوم علامه طباطبائی در این باره به این نکته اشاره دارند که اگر مری مهم و حیاتی باشد، انفاق واجب و ضروری است مانند جهادی که احتیاج مالی داشته باشد و یا حفظ جان کسی، اما اگر مسئله از شرایط ضروری خارج شود آنگاه، انفاق جنبه اجبار نمی‌یابد.

۲- استقرار یک نظام جامع تأمین اجتماعی

از آنجاییکه در مکتب تعالی بخش اسلام، اموال، امکانات و بطور کلی مواهب الهی به جهت رفع نیازها مادی و جسمانی و نه به عنوان یک هدف اصلی در زندگی مورد توجه می‌باشند، بنابراین، اصل قرار دادن «توانایی مادی» برای افراد بشر و متمایز شمردن آحاد جامعه و کسانی که دارای امکانات مالی بیشتری هستند، یک نوع شرک تلقی می‌گردد. به همین سبب طبقات اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم، و معصومین صلوات... علیهم اجمعین از زاویه ثروت و مکنت مالی، تقسیم نمی‌گردند، بلکه مبنای تقسیم‌بندی از نظر اسلام غیر از دارا بودن اموال و دارایی است، ضمن این که محبوبترین بندگان نزد خداوند متعال، پرهیزگارترین آنان می‌باشند.

در حالیکه جوامع سرمایه‌داری برای جلوگیری از طغیان و شورش طبقات پایی جامعه، موضوع تأمین اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند، در اسلام این موضوع در جریان تکامل انسان مطرح می‌شود و آن را به عنوان زمینه‌ساز رشد و تعالی همه جانبه اجتماع بشری، لازم و ضروری می‌داند. هم برای کمک‌دهند و هم برای کمک‌گیرنده.

از منابع عظیمی که در اختیار حکومت اسلامی قرار داشته و می‌تواند آنها را در جهت زیر پوشش قرار دادن افراد نیازمند مانند: یتیمان، از کارافتادگان، معلولان، بیکاران، بدهکاران، ضعیفان (افرادیکه درآمد آنان در حد تأمین زندگی معلول نیست)، مورد استفاده قرار گیرد، می‌توان از: خمس یا یک پنجم درآمد مازاد بر هزینه‌های سالیانه، زکات، انفال در اختیار ولی فقیه، فیه، فیء، وقف‌ها، کفارات مالی و سایر مالیاتهای دریافتی توسط حکومت اسلامی، نام برد.

۳- توزیع عادلانه ثروت:

از آنجائیکه وجود فقر و از طرفی انباشت ثروت، نتیجه توزیع ناعادلانه ثروت‌های عمومی می‌باشد، به همین سبب توزیع درآمدها و تخصیص منابع بین افراد جامعه یکی از مسائل اساسی در هر نظام اقتصادی است. ثروت موجود در هر کشوری ممکن است ناشی از ثروت‌های طبیعی و منابع موجود در طبیعت باشد. در این صورت، نظام مبتنی بر توزیع صحیح، نظامی است که بتواند این منابع را بگونه‌ای در بین آحاد جامعه تخصیص دهد که امکان تضييع حقوق عده‌ای توسط دیگران نباشد و ضمن اینکه حق نسل‌های آینده نیز محفوظ بماند.

علاوه بر توزیع عادلانه امکانات و منابع، می‌توان به توزیع عادلانه فرصت‌ها، اعتبارات و امکانات عمومی نام برد. مثلاً فراهم نمودن شرایطی که در آن اقشار مستضعف جامعه بتوانند از امکانات مناسب آموزشی، بهداشتی، اشتغال و غیره برخوردار باشند تا بتوانند به مشاغل بهتر و پردرآمدتری، دسترسی پیدا نمایند.

اینکه در جامعه‌ای برای عده‌ای «رانت» یا موقعیت برتر فراهم می‌گردد، ریشه در توزیع ناعادلانه فرصت‌ها، اطلاعات و اعتبارات دارد. برای اتخاذ عکس‌العمل مناسب در مقابل این ناهنجاری، بایستی توجه دقیقی به عوامل ایجاد این شرایط، یعنی منشأ توزیع ثروت به معنای اعم آن داشت. اجرای عدالت اقتصادی نه تنها تابع قوانین و مقررات دولتی اسلامی است آنچنانکه اشاره شد، بلکه نتیجه همبستگی و همیاری بسیار نزدیک افراد مسلمان در یک محیط اسلامی نیز می‌باشد. در یک جامعه اسلامی طبق اصل اخلاقی اخوت و برادری تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد نیازمند از جمله وظایف تمامی مسلمین می‌باشد.

از آنجائیکه مجموعه مقررات دینی بیشتر از آنکه به وظایف فردی تأکید داشته باشد به وظایف اجتماعی هر فرد مسلمان تأکید دارند، بنابراین هر فرد مسلمان خود را مؤظف می‌داند تا در تعامل با دیگر افراد اجتماع، به انجام تکالیف شرعی خود بپردازد تا از این طریق بتواند رضایت حق تعالی را جلب نماید. در اسلام مسئولیت متقابل همگانی ایجاب می‌نماید تا به موجب آن افرادی از اجتماع کفالت دیگر افراد جامعه را برعهده گرفته و انجام این مسئولیت را همچون انجام سایر فرایض بدانند.

در این مکتب، کفالت عمومی حقی از حقوق انسانها است و هر فرد مسلمان تا حدود متناسب با قدرت مالی خود مسئول تأمین زندگی دیگران است و بر کلیه مسلمین بنا به موقعیت و شرایط، اجرای این اصل در زندگی اجتماعی واجب شده است.

هدف اصلی از وضع تکافل عمومی در واقع مطلع شدن همه افراد یک جامعه اسلامی از وضعیت معیشتی و اقتصادی یکدیگر است آنچنانکه پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) می‌فرماید: «مؤمن برای مؤمن همچون ساختمانی است که پاره‌ای از آن پاره‌ای دیگر را استوار می‌سازد»^۱ با اجرای این اصل، روح اخوت و برادری مستحکم شده و اخلاق رذیله‌ای نظیر: حسادت و خیانت، اسراف و تبذیر، حرص و آز، بخل و طمع از بین می‌روند و بجای آن رفاقت و دوستی، خیرخواهی و نوع دوستی، و نهایت آنچه که لازمه ایجاد یک فضای معنوی و روحانی است، حاکم می‌شود.

۴- انفاق‌های مستحب:

علاوه بر انفاق‌های واجب در متون فقهی به عنوان دیگری نیز اشاره دارد و آن را انفاق‌های مستحبی است. از آنجائیکه برای یک فرد مسلمان در زندگی فردی رسیدن به قرب الهی و متخلّق شدن به اوصاف خدایی (آنگونه که در قسمت مربوط به زمینه‌های اخلاقی استقرار عدالت اقتصادی بحث شد) بسیار مهم است. به همین سبب با پیوند زدن زندگی فردی به زندگی اجتماعی (که به وسیله ساز رشد و تعالی اوست).

علاوه بر اینکه با انفاق مال خود، مطلوبیت معنوی کسب می‌کند، باعث می‌شود تا اموال وی از نظر کمی مطلوبیت بیشتری نصیبش بگرداند.^۲ آنچنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: دادن صدقه (مال) هم باعث ادای دین می‌شود (مطلوبیت معنوی) و هم برکت مال را بیشتر می‌کند (مطلوبیت مادی)^۳

بدیهی است صفات پسندیده‌ای که قبلاً نام بردیم نظیر: خیرخواهی، احسان، ایثار، توکل، میهمان‌نوازی، اطعام، شکرگزاری، خوش خلقی، میانه‌روی و برکت جویی از عوامل اساسی انفاق‌های واجب و مستحب است. در مقابل صفات رذیله‌ای نظیر: غفلت، حرص، بخل، طمع، آز و ... باعث ایجاد شرایطی می‌گردد که در آن امکان بذل مال بسیار سخت و مشکل شده در نتیجه تمرکز و کنز مال به عنوان یک ارزش درآمده و زمینه برای اختلاف‌های شدید طبقاتی در نتیجه گسترش فقر، فساد و تباهی فراهم و جامعه نیز از معنویت تهی می‌گردد.

اهمیت به انفاق در قرآن کریم آنچنان است که بعضاً آن را در ردیف نماز شب و سایر عبادات آورده است و همچنین خطاب به کسانی که از انجام این فریضه دوری می‌کنند و اموال خود را گنجینه می‌کنند، به

۱ نهج‌الفصاحه، حکمت شماره ۳۰۸۵، ص ۶۲۵ به نقل از «عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام و ...» محمد حسن مشرف جوادی - مجموعه مقالات اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی.

۲.سوره بقره آیه ۲۶۱.

۳.محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، احادیث شماره ۲۳۴۱ و ۱۰۳۶۱ و ۱۰۳۷۱.

عذاب دردناک بشارت می‌دهد.^۱ در آیات بی‌شماری نیز به حدود انفاق^۲ و افراد یا گروههایی که نیازمند و مشمول دریافت کمک می‌باشند^۳ اشاره و همچنین خطاب به ایمان آورندگان چگونگی انجام انفاق^۴ را تعیین کرده است. از جمله انفاق‌های مستحبی که در منابع فقهی بدان اشاره شده است عبارتند از: وقف، وصیت، صدقه، بخشش، اطعام، کفارات، نذر.

در خصوص وقف بایستی گفت که خداوند متعال آن به عنوان یک عمل صالح یا همان باقیات و صالحات^۵ نامبرده است، ضمن اینکه یکی از منابع بسیار بزرگ در تاریخ اسلام که دارای منافع بسیار بزرگی در ساختن ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی داشته، همین موضوع با اهمیت وقف می‌باشد. استقرار عدالت اقتصادی ایجاد می‌نماید تا با فراهم کردن شرایط لازم و ارتقاء سطح فکری و با احیاء این سنت حسنه، افراد متمول اجتماع را به سوی وقف اموال خود، سوق داد.

۴سوره توبه، آیات ۳۴ و ۳۵.

۵ بقره ۲۱۵ و فرقان ۶۷.

۱ توبه ۶۰ و بقره ۸۳

۲ سوره ابراهیم آیه ۳۱.

۳ سوره مریم آیه ۷۶.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه - ترجمه دکتر سید جعفری شهیدی - انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷
مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، زیر نظر محمد واعظزاده خراسانی -
انتشارات آستان قدس

عدل الهی - مرتضی مطهری - انتشارات صدرا - چاپ دهم - شهریور ۱۳۵۷

بیست گفتار - مرتضی مطهری - دفتر انتشارات صدرا - چاپ دهم - ششم شهریور ۱۳۶۰

فلسفه اقتصاد اسلامی مرحوم علامه طباطبائی - حسن توانایان فرد - انتشارات مطبوعاتی عطایی ۱۳۶۱

طرح و مبانی اقتصاد در قرآن - مسعود دهشور و دیگران - سال انتشار ۱۳۶۶

مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی - پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۹

فصلنامه مصباح - انتشارات پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) - شماره ۲۴، ۱۳۷۹

اقتصاد ما - محمدباقر صدر، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی - انتشارات اسلامی - چاپ دوم ۱۳۵۷

مقاله «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی شهید صدر» ارائه شده به همایش عدالت اجتماعی و

امیرالمؤمنین (ع) - محمد حسین جمشیدی ۱۳۷۹

مقاله «بررسی تطبیقی طبقات اجتماعی و توزیع ثروت بر مبنای عدالت در سنت علوی و ایران بعد از

انقلاب اسلامی» ارائه شده به همایش عدالت اجتماعی و امیرالمؤمنین، ابراهیم شفق‌فر ۱۳۷۹

مقاله «علی (ع) - افلاطون و نظریه عدالت» ارائه شده به همایش عدالت اجتماعی و امیرالمؤمنین (ع) -

سعید حسین‌پور ۱۳۷۹

«مقایسه‌ای بین عدالت در اقتصاد اسلامی و مکتب مطلوبیت» پایان نامه کارشناسی ارشد - حسین شجاعی

- دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران - ۱۳۷۸

مجله نامه فرهنگ - شماره‌های ۱۰ و ۱۱

فرهنگ فارسی - محمد معین - جلد دوم - انتشارات امیر کبیر - تهران ۱۳۷۱

لغت‌نامه دهخدا - جلد ۳۳ - انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۱

ولایت فقیه - امام خمینی - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - تابستان ۱۳۷۶

میزان الحکمه - محمد محمدی ری‌شهری - مترجم حمیدرضا شیخی - ناشر دارالحدیث ۱۳۷۷

- بنیاد فلسفه سیاسی در غرب - عنایت، حمید، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۴

